



تفاوت شبهه با حقیقت / شبهه مأمون بر آیه مباهله و پاسخ امام رضا(ع)

خبرگزاری مهر - برای دوستان خدا نوری که آنان را در تاریکیهای شبهه رهنمائی کند، «یقین» آنهاست و راهنمای آنها مسیر هدایت است، ولی دشمنان خدا گمراهیشان آنها را به شبهات دعوت می کند، و راهنمای آنها کوری باطن است. امام علی(ع) در خطبه سی و هشتم نهج البلاغه در مورد شبهه می فرمایند: «شبهه» را از این رو «شبهه» نام نهاده اند که شباهت به حق دارد، اما برای دوستان خدا نوری که آنان را در تاریکیهای شبهه رهنمائی کند، «یقین» آنهاست و راهنمای آنها مسیر هدایت است، ولی دشمنان خدا گمراهیشان آنها را به شبهات دعوت می کند، و راهنمای آنها کوری باطن است آن کس که از مرگ بترسد هرگز به خاطر این ترس، از مرگ نجات نمی یابد همان طور که آن کس که مرگ را دوست دارد برای همیشه در این جهان باقی نخواهد ماند.

سخنان طرفداران باطل را به این جهت «شبهه» می گویند، که چگونگی ترکیب آنها طوری است که مردم آن را حق می پندارند و واقعیت بر آنها مشتبه می شود، به همین جهت که این سخنان به حق شباهت دارد آن را شبهه می گویند، اما به سخنانی که مردم را به حق می رساند «دلیل» گفته می شود.

شبهه (بر وزن شیئه و شبه) به معنای مثل و نظیر است. شبهه در لغت به معنای مشابهت و پوشیدگی است. معانی دیگری چون اشتباه، احتمال اشکال و شک نیز دارد و همچنین چیزی که حق و باطل در آن معلوم نیست را شبهه می نامند. شبهه آن است که دو چیز در اثر مماثلت از همدیگر تشخیص داده نشوند «وما قتلوه و ما صلبوه و لکن شیئه لهم» شبهه یعنی هر اشکال، پرسش یا ابهامی که در برداشت‌ها، تحلیل‌ها، تصمیمات و رفتارهای مرتبط با سعادت فرد یا جامعه منشأ خطا و اشتباه در شناخت حق از باطل گردد. به عبارت دیگر شبهه خود را شبیه به حق می نمایند و راه شناخت حق از باطل را مشکل و افراد را دچار شک و تردید می کند

نخستین شبهه

گویند نخستین شبهه که در خلقت شد بوسیله ابلیس بوده در باب خلقت آدم، او گفته است که آدم را از خاک بیافریدی و من را از نار و نار را بر خاک مزیت است و در شأن من نیست که به آدم سجده کنم.

تفاوت پرسش و شبهه

درباره تفاوت پرسش و شبهه تفاوت های چندی بیان شده است که می توان به مهم ترین آن در این جا اشاره کرد: پرسش در حقیقت جست و جوی بشر برای شناخت است و پرسشگر با بیان پرسش و سؤال می کوشد تا موضوع و مطلبی را بشناسد و آنرا درک و فهم کند. در حالی که هدف از شبهه، ایجاد تردید و شک در دل مخاطب است و شبهه گر می کوشد تا در بنیادهای اعتقادی و باوری شخص تردید افکند. درحقیقت تفاوت شبهه و پرسش را باید در کارکرد و اهداف آن دانست. کارکرد پرسش فهم و شناخت است، در حالی که شبهه برای این طرح می شود تا مخاطبان خود را به چالش بکشاند. از سوی دیگر در شبهه، باطل به طور عمدی و خواسته حضور دارد و شبهه گر با آمیختن حق و باطل می کوشد کلام باطل خود را با رنگ و لعابی از حق به دیگران منتقل کند، از این روست که حضرت امیرمؤمنان(ع) فرمودند: «انما سمیت الشبهه شبهه لانها شبهت بالحق» از آن رو شبهه را شبهه نامیده اند که به حق شبیه و همانند است.

شبهه مامون به مباهله و پاسخ امام رضا(ع)

معروف است و در کتاب ها نقل شده که مأمون از امام رضا(ع) پرسید چرا مردم شما را یا ابن رسول الله(ص) خطاب می کنند و به ما یا ابن رسول الله(ص) نمی گویند در حالی که ما هر دو از شجره پیغمبر (ص) هستیم ما سادات عباسی هستیم و شما سادات علوی و جد شما علی بن ابیطالب است که پسر عموی پیغمبر بودند و جد ما هم ابن عباس است که ایشان هم پسر عموی پیغمبر(ص) بودند. حضرت رضا(ع) جواب فرمودند که این را از خود مردم سؤال کنید که چرا ما را یا ابن رسول الله(ص) خطاب می کنند و به شما نمی گویند. مأمون اصرار کرد که جواب آنرا از شما می خواهم بشنوم. امام رضا در یک کلام فرمودند به دلیل "ابنائنا" که استناد به آیه

شریفه مباحله است.

خداوند در آیه مباحله می فرماید: «فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ: پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو محاجه کند بگو بیایید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. « (آیه 61 سوره آل عمران) در این آیه خداوند امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را به عنوان فرزندان رسول خدا(ص) معرفی کرده و از این نظر هم مردم ما را فرزندان رسول خدا می دانند ولی آیه مباحله و کلمه "ابناءنا" در شأن شما نازل نشده است.

مأمون شبهه ای مطرح و در پاسخ امام رضا(ع) گفت: «لولا نساءنا یعنی این استدلال صحیح است به شرط اینکه در دنباله آیه کلمه «نساءنا وجود نداشته باشد. نساءنا یعنی زنان ما و پیغمبر اکرم از زنان خودشان کسی را نبردند بلکه تنها بانویی که در داستان مباحله حضور دارند حضرت زهرا(س) هستند. مقصود مأمون این بود که در این آیه مجاز به کار رفته همچنان که مجازا کلمه «نساءنا وارد شده و حضرت فاطمه زهرا در مباحله حضور دارند. بنابراین امام حسن(ع) و امام حسین(ع) فرزندان رسول خدا نیستند و به صورت مجاز اطلاق ابن و فرزند شده است؛ این نقضی بود بر استدلال امام رضا(ع).

امام در جواب مأمون فرمودند: «لولا انفسنا یعنی این استدلال شما هم صحیح است اگر کلمه «انفسنا به دنبال آن نبود. کلمه «انفسنا دلالت بر این دارد که حضرت امیرالمؤمنین(ع) نفس پیامبر(ص) هستند. حضرت فاطمه زهرا(س) هم همسر امیرالمؤمنین(ع) هستند و اطلاق نساءنا به اعتبار حضرت امیرالمؤمنین(ع) صحیح است و چون حضرت امیر(ع) نفس پیامبر هستند. بنابراین کلمه نساء مجاز نیست و حقیقت است و کلمه ابنا هم مجاز نیست و حقیقت است. مأمون وقتی این جواب امام رضا(ع) را شنید سر تسلیم فرود آورد و تصدیق کرد شایسته است که ائمه(ع) را فرزندان رسول خدا(ص) بخوانند. این فرزند خواندن به اعتبار حضرت فاطمه زهراست و بنی عباس گرچه از سادات عباسی هستند ولی به آنها ابنا رسول خدا(ص) نمی گویند.

شبهه منافات انتظار با قیام

از جمله برداشتهای بد و مغالطه آمیز توهمی است که از مفهوم انتظار شکل گرفته است که انتظار یعنی انزوا، انفعال، بی اعتنایی به حکومت های نامشروع و بی تفاوتی به اصلاح جامعه و بدست گرفتن حکومت و رهبریت سیاسی؛ چون عصر غیبت و انتظار یعنی منتظر ماندن و چشم به راه بودن کسی که او رهبر حکومت است، او مسئول تشکیل حکومت است نه دیگران! خلاصه انتظار یعنی کناره جویی پارسایانه و بی تفاوتی نسبت به امور جامعه و به قول استاد مطهری، انتظار ویرانگر، بازدارنده، فلج کننده و نوعی اباحی گری. انتظار به این معنی یک نوع توکل منفی و سلب مسئولیت از خویش است.

مراجعه به روایات باب انتظار و سخنان دانشمندان فرهیخته نشان می دهد که انتظار، مکتب بیداری، اعتراض، قیام و به دست گرفتن نبض جامعه است. چنین برداشتی از مفهوم انتظار درگام نخست با عقل و سپس با صریح قرآن و روایات و در نهایت با برداشت عالمان فرهیخته، ناسازگار است این جا برخی موارد منافی با این برداشت یادآوری می شود: عقل حکم می کند که هرگاه کسی در آرزو و امید و انتظار پدیده ی باشد، برای تحقق و رسیدن به آن پدیده در حد توان و امکان تلاش می کند و گرنه کنار نشستن و بی تحرکی با آرزوی رسیدن به آن پدیده تعارض و ناهمخوانی دارد.

قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» یعنی از نظر قرآن، دگرگونی و تعیین سرنوشت هر قومی در گرو اعمال و موضع گیری های خودشان است و مهم ترین تحول و پدیده ی سرنوشت ساز، زمینه ساز برای ظهور حضرت است که تحقق ظهور بر آن مترتب است. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» یعنی یکی از شرایط گشوده شدن برکات الهی ایمان و رعایت تقوا از جانب انسان ها است گشوده شدن روزه ی ظهور حضرت مهدی (ع) برترین برکات الهی است و بر اساس این آیه ایمان تقوا که بعد عملی و رفتاری است از راه ها و زمینه های ظهور حضرت مهدی (ع) است.

در روایات هم آمده است: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج» نظیر این روایت بارها در منابع حدیثی وارد شده است که فضیلت و ثواب انتظار بسیار سترگ و عالی است. عقل حکم می کند که چنین مقامی با انتظار به معنای تلاش و پویایی و حرکت سازگار است. رسول اکرم (ص) بیزاری و برائت از دشمنان را از ویژگی های یاران امام غایت می داند. طبرانی و ابن ماجه از رسول خدا (ص) نقل می کنند: يخرج أناس من المشرق فيوظئون للمهدى سلطانه. یعنی اولاً قیام حضرت مهدی(عج) بدون مقدمه و آمادگی نیست و ثانیاً این مقدمه سازی دست منتظران است.

در حدیث دیگر، رسول اکرم (ص) یاران و امت آخرالزمان را چنین توصیف می کند: البته در پایان این امت (دوره آخر الزمان) گروهی

خواهند بود که پاداش آن‌ها همانند اجر امت اول اسلام خواهد بود. آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و با اهل فتنه می‌جنگند. امام کاظم(ع) نیز استقامت و پایداری در دوستی ائمه (ع) و بیزاری از دشمنان آن‌ها را از صفات شیعیان در عصر غیبت معرفی می‌کند. امام باقر(ع) در پاسخ کسی که می‌پنداشت تمام امور قیام و پیروزی مهدی(عج) خود به خود و با امداد مطلق الهی و بدون دخالت و تلاش انسان‌ها محقق می‌شود فرمود: «#171؛ هرگز چنین نیست قسم به آن کس که جانم در دست اوست اگر بنا بودی برای کسی کارها خود به خود درست شود همانا برای رسول خدا (ص) چنین می‌شد. مفضل بن عمر می‌گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم امیدوارم کار حضرت قائم(عج) به آسانی به نتیجه برسد حضرت فرمود: چنین نخواهد شد مگر اینکه شما و طرف دارانش در عرق و خون خود، غرق شوید.

امام صادق(ع) درباره حداقل آمادگی امت منتظر می‌فرماید: باید هر کدام از شما در عصر غیبت، خود را برای قیام قائم آماده نمایید حتی با تهیه و تجهیز یک تیر، چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت نصرت و یاری مهدی (عج) اسلحه تهیه کرده است، شاید توفیق درک ظهور او را به او بدهد و او را از یاوران مهدی (عج) قرار دهد. در کتاب «#171؛ مکیال المکارم» انتظار چنین تعریف شده است: «#171؛ و هو کیفیه ی نفسانیه ینبعث منها التهیؤء لما تنظره و ضده الیأس فکلما کان الانتظار اشد کان التهیؤء آكد، ألاتری انه اذا کان لک مسافر تتوقع قدومه ازداد تهیو، ک لقدومه کلما قرب حینه... » امام خمینی(ره) می‌فرماید: اگر دستمان می‌رسید باید تمام ظلمها و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست منتهی ما نمی‌توانیم حضرت مهدی(عج) عالم را پر از عدالت می‌کند، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید، ما برخلاف آیات شریفه قرآن، دست از نهی از منکر برداریم؟ دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟!

استاد مطهری سخنی دارد که نشان می‌دهد دانشمندان شیعی به حکومت زمینه ساز باور داشته‌اند. بعضی از علمای شیعه که به برخی از دولتهای شیعی معاصر خود حسن ظن داشته‌اند، احتمال داده‌اند که دولت حقی که تا قیام مهدی موعود(عج) ادامه خواهد یافت، همان سلسله مورد نظر باشد.